

بانک مرکزی آمریکا یا بانک فدرال برای تعیین سیاست مالی جهت رسیدن به حداکثر رشد غیر تورمی از استقلال کامل برخوردار است. علائم اصلی سیاست بانک فدرال عبارتند از: عملیات بازار آزاد، نرخ تنزیل و نرخ وجوه فدرال.

کمیته فدرال بازار آزاد (FOMC)

این کمیته مسئول تصمیم گیری در مورد سیاست پولی از جمله اعلام نرخ بهره است. نرخ بهره حداقل هشت بار در سال اعلام می شود. کمیته یاد شده دوازده عضو دارد که به ترتیب زیر تعیین می شوند:

هفت کرسی از شورای فرمانداران، رئیس بانک مرکزی نیویورک و چهار کرسی باقیمانده به صورت دوره های یکساله به روسای یازده بانک مرکزی دیگر تعلق می گیرد.

سند خزانه (بهادار) ده ساله

سند خزانه، مهمترین نشانگر انتظارات بازار نسبت به تورم است. در اکتبر سال 2001 انتشار اسناد بهادار 30 ساله خزانه متوقف و از آن پس سند خزانه ده ساله به انگپایه مهمی جهت نرخهای بهره بلند مدت تبدیل شد. بازارها معمولاً وقتی به اوراق قرضه اشاره دارند که به جای قیمت از بازده استفاده می کنند. قیمت اوراق قرضه با بازده آن نسبت عکس دارد با آنکه ارتباط روشنی بین اوراق قرضه بلند مدت و دلار آمریکا وجود ندارد با اینحال در بیشتر حالات با افزایش بازده اوراق قرضه دلار قوی می شود. که سرمایه گذاران به دنبال بازده های بالاتر هستند.

گاهی اوقات بازده بالای اوراق قرضه هنگام بروز نگرانی های رو به تزاید تورمی به نفع دلار عمل نمی کند و این بیانگر آن است که بانک مرکزی برای مهار تورم بسیار دیر دست به کار شده است. همچنین وقتی بازارها دچار افزایش مفرط بازده می شوند، دلار مستعد حرکت رو به پائین است. به این ترتیب اطلاعات اقتصادی قوی بسته به مرحله سیکل اقتصادی، می توانند تأثیر متفاوتی بر دلار داشته باشند. در محیطی که تورم تهدیدی به شمار نمی آید و رشد رو به تزاید است، اطلاعات قوی برای دلار مثبت است. به عنوان مثال در اواسط و اواخر دهه 90 چنین وضعیتی حاکم بود. لازم به ذکر است، در مواردی که تهدید تورم (نرخهای بالاتر بهره) وجود دارد، اطلاعات قوی معمولاً به نزول قیمت های اوراق قرضه منتهی می شود. زیرا بازده بالا می رود و قیمت سقوط می کند و به این دلیل به دلار آسیب می رساند.

از آنجا که سند 10 ساله خزانه انگپایه طبقه سرمایه است معمولاً تحت تأثیر انتقال های متغیر سرمایه که محرک آنها ملاحظات جهانی است، قرار می گیرد. این اسناد به دلیل ماهیت امن خود در هنگام بروز هرج و مرج مالی و سیاسی می تواند به توان خزانه های آمریکا بیفزاید که این به نوبه خود کمکی به دلار به شمار می آید.

سپرده های سه ماهه یورو دلار

سپرده های یورو، موجودی حساب های بانکی در کشورهای غیر از کشور مبدأ آن پول است. به عنوان مثال حساب های بین ژاپن خارج از ژاپن "یورپین" نامیده می شوند. به همین ترتیب حساب های نامگذاری شده با یورو خارج از منطقه یورو "یورویورو" خوانده می شوند. نرخ بهره سپرده های سه ماهه دلار که در بانک های خارج از آمریکا نگهداری می شوند، انگپایه ارزشمندی برای تعیین تفاوت های نرخهای بهره است که به برآورد نرخهای مبادله کمک می کند. اگر دلار آمریکا/بین ژاپن را به عنوان یک مثال فرضی در نظر بگیریم، هر چه تفاوت نرخ بهره به نفع یورودلار در مقابل یورو بین باشد، احتمال آنکه دلار آمریکا به بین ژاپن ترقی کند، بیشتر است. گاهی به دلیل وجود عواملی دیگر، از جمله انتقال فزاینده سرمایه به سهام آمریکا که می تواند صرفنظر از تفاوت در بازده روی دهد، این رابطه صدق نمی کند.

ارزی که دارای تفاوت قیمت (خرید و فروش) بیشتری باشد، به ارزش بالاتری دست پیدا نمی کند. زیرا نرخ تورم آن به میزان قابل ملاحظه ای بالاتر از ارزشهای دیگر خواهد بود و این امر منفعت ناشی از بهره را تحت الشعاع قرار می دهد.

مثال: اگر کشور A نرخ تورم 2.5% و نرخ بهره 2% داشته باشد، در پایان دارای نرخ واقعی پایین تری در تطابق با تورم خواهد بود.

وزارت دارایی (MOF)

وزارت دارایی آمریکا مسوول انتشار بدهی های دولت و تصمیم گیری در مورد بودجه مالی است. این وزارتخانه در مورد سیاست (خط مشی) پولی چیزی نمی گوید اما بیانیه های آن در مورد دلار نفوذ عمده ای بر این پول دارد. مقامات اصلی وزارت دارایی عبارتند از: وزیر دارایی و معاون وزیر و معاون وزیر در امور بین الملل.

اطلاعات اقتصادی

مهمترین اطلاعات اقتصادی که در آمریکا منتشر می شوند، عبارتند از:

- گزارش نیروی کار (دستمزد پرداختی، نرخ بیکاری، درآمد متوسط ساعتی)؛
- CPI (شاخص قیمت مصرف کننده)؛
- PPI (شاخص قیمت تولید کننده)؛
- GDP (تولید ناخالص داخلی)؛
- تجارت بین الملل؛
- ECI؛
- ISM؛
- میزان تولید؛
- تولید صنعتیو
- شروع خانه سازی و اعتمادمشتری.

بازار سهام

سه شاخص عمده سهام آمریکا عبارتند از: شاخص صنعتی داوجونز، S&P500 و NASDAQ.

شاخص داو، موثرترین شاخص بر دلار است. این شاخص از اواسط دهه 90 میلادی با خرید سهام آمریکا توسط سرمایه گذاران خارجی همبستگی قوی و محکمی با دلار نشان داده است. سه نیروی عمده موثر بر داو عبارتند از:

1. درآمدهای شرکتی در دو حالت پیش بینی و واقعی؛
 2. پیش بینی نرخ بهره و
 3. ملاحظه های جهانی.
- در نتیجه، عوامل یاد شده بر بازار معاملات دلار با ارزشهای دیگر تاثیر گذار هستند.

تاثیر نرخ غیرمستقیم بر دلار

گاهی ممکن است ارزش دلار در برابری با ارزشهای دیگر، تحت تاثیر جفت ارز دیگری قرار گیرد. به عنوان مثال افزایش شدید ین در مقابل یورو می تواند باعث نزول کلی یورو شود در نتیجه این امر منجر به سقوط یورو در مقابل دلار آمریکا خواهد شد. گاهی هنگام سقوط یورو به دلار آمریکا، فکر می کنیم این امر ناشی از قدرت دلار است، اما وقتی دلار در مقابل دیگر ارزها نظیر دلار کانادا، پوند استرلینگ و دلار استرالیا ثابت می ماند، نتیجه می گیریم، این ین است که رهبری حرکات را در دست گرفته است.

قرارداد آینده وجوه فدرال

این قرارداد بیانگر انتظارات از نرخ بهره کوتاه مدت است. ارزش قرارداد مشخص می کند بسته به موعد پرداخت آن، انتظار چه نرخ بهره ای از وجوه فدرال (نرخ شبانه) را در آینده داشته باشیم. بنابراین قرارداد یاد شده، یک نشانگر ارزشمند برای انتظارات بازار در برابر خط مشی بانک فدرال است. این نرخ از کاستن ارزش قرارداد از عدد 100 و مقایسه رقم به دست آمده با نرخ حاکم بر وجوه فدرال در بازار نقدی به دست می آید.

قرارداد آینده سه ماهه یورو دلار

در حالی که قرارداد آینده وجوه فدرال می تواند بازتاب نرخ آینده وجوه فدرال باشد اما قرارداد آینده سه ماهه یورو دلار بازتاب آینده نرخ بهره در سپرده های سه ماهه یورو دلار است. به طور مثال تفاوت بین قراردادهای آینده در سپرده های سه ماهه یورو دلار و یورین، متغیری ضروری در تعیین ارزش مورد انتظار دلار آمریکا در مقابل ین ژاپن است.

بنیادهای موثر بر اقتصاد مالی منطقه یورو

منطقه یورو شامل 12 کشور است. این کشورها به ترتیب تولید ناخالص داخلی آنها عبارتند از: آلمان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، هلند، بلژیک، اتریش، فنلاند، پرتغال، ایرلند، لوکزامبورگ و یونان.

بانک مرکزی اروپا (ECB)

بانک مرکزی اروپا کنترل سیاست های پولی در منطقه یورو را بر عهده دارد. این بانک را شورای حکام که از دو هیات اجرایی تشکیل می شود، اداره می کند. این دو هیات عبارتند از:

1. هیات اجرایی فرمانداران بانک های مرکزی،
2. هیات اجرایی داخلی شامل رئیس بانک مرکزی اروپا، نایب رئیس و چهار عضو دیگر.

اهداف و خط مشی بانک مرکزی اروپا

بانک مرکزی اروپا مسوولیت حفظ ثبات قیمت در منطقه یورو را بر عهده دارد. در پائیز 2002، بانک مرکزی اروپا به ارزیابی سالانه رشد M3 طبق "ارزش مرجع" 4.5% که از زمان تاسیس بانک هرگز به دست نیامده بود، خاتمه داد. بانک یاد شده در ماه می 2003 استراتژی خود را قدری اصلاح کرد تا از ریسک های کاهش تورم جلوگیری کند. این بانک تعریف ثبات قیمت خود (شاخص هماهنگ شده قیمت های مصرف کننده) را از زیر 2% به نزدیک 2% تغییر داد.

بانک مرکزی اروپا هر پنجشنبه در میان جلسه ای تشکیل می دهد تا نرخ های بهره را اعلام کند. همچنین پس از اولین جلسه هر ماه یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار می کند و طی آن دیدگاه های کلی خود را در مورد سیاست پولی و اقتصادی بیان می کند.

نرخ های بهره

بانک مرکزی اروپا برای اداره نقدینگی، از نرخ شرایط مالی جدید که بهره کلیدی کوتاه مدت است، استفاده می کند. تفاوت بین نرخ شرایط مالی جدید و نرخ وجوه فدرال آمریکا نشانگر خوبی برای برابری یورو و دلار آمریکا است.

سپرده های یورو یورو

سپرده های یورو، موجودی حساب های بانکی در کشورهای بی غیر از کشور مبدأ آن پول است. نرخ بهره سپرده های سه ماهه یورو یورو که در بانک های خارج از منطقه یورو نگهداری می شوند، انگپایه ارزشمندی برای تعیین تفاوت های نرخ های بهره است که به برآورد نرخ های مبادله کمک می کند. اگر یورو و ین ژاپن را به عنوان یک مثال فرضی در نظر بگیریم، هر چه تفاوت نرخ بهره به نفع یورو یورو در مقابل یورو ین باشد، احتمال آنکه یورو به ین ژاپن ترقی کند، بیشتر است. این رابطه گاهی به دلیل وجود عوامل دیگر چون جریان نقدینگی صدق نمی کند.

اوراق قرضه 10 ساله دولتی اروپا

اوراق قرضه 10 ساله دولتی اروپا، محرک مهم دیگری بر برابری نرخ یورو در مقابل دلار است. این امر از تفاوت در نرخ های بهره بین آمریکا و منطقه یورو ناشی می شود. اوراق قرضه 10 ساله آلمان به عنوان مهمترین انگپایه بازار اوراق قرضه یورو به شمار می آید. از آنجا که نرخ اوراق قرضه 10 ساله آلمان از اوراق قرضه 10 ساله آمریکا کمتر است، انتظار محدودیت در تفاوت قیمت (یعنی صعود بازده آلمان یا نزول بازده آمریکا یا هر دو) می رود این امر به صورت نظری به نفع

نرخ یورو در مقابل دلار است. بیشتر شدن تفاوت قیمت به ضرر نرخ مبادله خواهد بود. بنابراین تفاوت اوراق قرضه 10 ساله آمریکا با آلمان، رقمی است که باید مراقب آن بود. معمولاً گرایش در این رقم مهمتر از ارزش مطلق است. تفاوت نرخ بهره نیز معمولاً از محرک چشم انداز مقایسه ای رشد آمریکا و منطقه اروپا تاثیر می گیرد.

اطلاعات اقتصادی منطقه اروپا

مهمترین گزارش های اقتصادی منطقه یورو عبارتند از: تولید ناخالص داخلی، تورم (شاخص هماهنگ قیمت های مصرف کننده)، شاخص مدیران خرید (PMI) در تولید و خدمات، بیکاری، تولید صنعتی، حساب جاری و انتقال های موجودی اوراق بهادار.

از سایر نشانگرهای اصلی منطقه ای می توان از بررسی های IFO و ZEW آلمان در مورد گرایش اقتصادی و اعتماد تجاری نام برد. این گزارش ها اغلب از عوامل حرکت بازار هستند. از دیگر نهادهای مهم، می توان از انسیتوهای شامل HWWA, RWI, IWH, DIW و KIWI نام برد. بررسی های INSEE در مورد تجارت و گرایش های امورخانه نیز قابل توجه هستند.

معاهده رشد و ثبات

در ژوئن 1997 اتحادیه اروپا پیمان رشد و ثبات را با هدف تضمین کشورهای عضو اتحادیه اروپا جهت پیوستن به اتحادیه پولی تصویب کرد. این معاهده باعث می شد، کشورها از بدو ورود به مرحله سوم اتحادیه پولی، سیاست های بودجه ای بی نقصی را به مرحله اجرا بگذارند. منظور از این پیمان تضمین امور مالی در منطقه یورو بود. این امر از ضرر و زیان نرخ های بهره ناشی از سیاست های بودجه ای نامطمئن در یک کشور به دیگر کشورهای منطقه یورو جلوگیری می کرد. شرط اصلی پیمان تصریح می کند، کشورهای بایستی کمبود بودجه خود را کمتر از 3% تولید ناخالص داخلی نگه دارند.

هنگامی که دو کشور فرانسه و آلمان را سه سال متوالی (2000 تا 2003) قانون 3% نقض کردند، ضربه شدیدی به اعتبار این پیمان وارد شد. اتحادیه اروپا به جای جریمه این دو کشور، همانطور که در پیمان آمده بود، به آنها یک سال مهلت اضافی داد. به این ترتیب فرانسه و آلمان مجاز شدند قانون 3% را دوباره در سال 2004 نقض کنند. این امر باعث خشم کشورهای کوچکتری مانند پرتغال و یونان شد که برای پیروی از این قانون تاوان سنگینی را در غالب رشد اقتصادی پائینتر و نرخهای بیکاری بالاتر پرداخته بودند. اگر چه اعتبار این پیمان به پائین ترین حد خود رسیده، اما یورو توانست تا نیمه اول سال 2003 اغلب دستاوردهای خود را حفظ کند.

تاثیر نرخ غیر مستقیم بر یورو

نرخ برابری یورو در مقابل دلار آمریکا، گاهی تحت تاثیر حرکت نرخ های غیر مستقیم برابری قرار می گیرد (نرخهای برابری غیر دلار).

مثلاً نسبت یورو به دلار آمریکا می تواند در نتیجه خبرهای بسیار مثبت در ژاپن سقوط کند. این امر ناشی از قدرت گرفتن ین خواهد بود. ین قوی در مقابل یورو منجر به ضعف شدیدتر در یورو می شود که و این ضعف باعث سقوط یورو در مقابل دلار آمریکا خواهد شد. برای آنکه تعیین کنیم کدام ارز محرک اصلی بوده است، به شرح زیر عمل می کنیم؛

چنانچه دلار در برابر ارزهای دیگر تغییری نکرده و تنها در مقابل یورو نوسان نشان دهد، می فهمیم تغییر مذکور ناشی از تاثیرات غیر مستقیم خواهد بود.

قرارداد آینده سه ماهه یورو (یوریبور)

این قرارداد بازتاب توقعات بازار از موجودی های سه ماهه یورو- یورو در آینده است. تفاوت بین سپرده های سه ماهه آینده "یورو دلار" و یورو- یورو متغیری اساسی در تعیین وضعیت آینده یورو دلار آمریکا است.

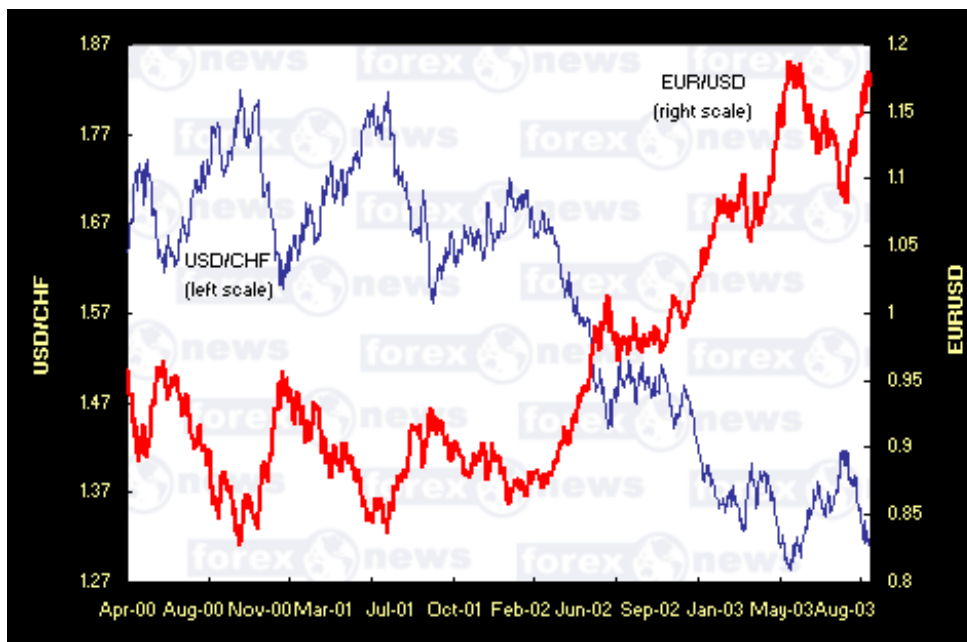
یورو که رقیب اصلی دلار آمریکا است، تقریباً همیشه اولین پولی است که از اخبار منفی در آمریکا سود می‌جوید و به همین ترتیب با اخبار خوب آمریکا سقوط می‌کند. "یورو به دلار" مانند همه نرخهای دیگر نسبت به بی ثباتی سیاسی آسیب پذیر است، از جمله می‌توان از تهدید دولت‌های ائتلافی در فرانسه، آلمان یا ایتالیا نام برد. لازم به ذکر است بی ثباتی سیاسی یا مالی در روسیه نیز به دلیل مقدار زیاد سرمایه‌گذاری آلمان در روسیه برای "یورو به دلار" خطرناک است. در مقابل، اخبار خوشایند اقتصادی در اروپا، مانند ترقی نرخ بندی در وضع اعتباری کشور، به نفع یورو خواهد بود.

یورو به ذینفع اصلی در رویدادهای ژئوپلیتیک بر ضد منافع آمریکا تبدیل شده است، مانند اعمال تروریستی و دیگر خرابکاری‌ها با انگیزه سیاسی. چنین اعمالی حتی اگر در اروپای غربی اتفاق بیفتند، به نفع یورو هستند.

همبستگی "یورو به دلار" با "دلار به فرانک"

یک همبستگی منفی قوی بین "یورو به دلار" و "دلار به فرانک" وجود دارد که نشان‌دهنده رابطه پیوسته‌ای بین "یورو و فرانک سوئیس" است. دلیل این امر آن است که اقتصاد سوئیس به میزان زیادی وابسته به اقتصاد کشورهای حوزه یورو است و بیش از 60% صادرات این کشور متعلق به کشورهای حوزه یورو است. در اغلب موارد کاهش در "یورو به دلار آمریکا"، افزایش در "دلار آمریکا به فرانک" را به دنبال دارد. هرچند این رابطه می‌تواند در صورت وجود اطلاعات یا عواملی که صرفاً مربوط به یکی از این دو ارز باشد، صدق نکند.

در نمودار شکل 2-1 نوسانات و نسبت تغییرات دلار به فرانک و یورو به دلار نشان داده شده است.



شکل 2-1

بنیادهای موثر بر اقتصاد مالی ژاپن "دلار به یورو"

وزارت امور دارایی (MOF)

وزارت امور دارایی تنهاترین و مهمترین نهاد سیاسی و پولی در ژاپن است. نفوذ آن بر سمت و سوی یورو، باوجود اقدامات تدریجی برای تمرکز زدایی از تصمیم‌گیری در این کشور، از نفوذ آن بر پول آمریکا، انگلستان یا آلمان قابل توجه‌تر است.

مقامات وزارت امور دارایی، اغلب بیانیه‌هایی در مورد اقتصاد تهیه می‌کنند که اثر عمیقی بر "ین" دارد. این بیانیه‌ها گاهی حاوی مداخله شفاهی با هدف اجتناب از افزایش یا کاهش ناخواسته ین است. مقامات اصلی که توصیه‌هایشان به بازار حرکت بیشتری می‌دهند، عبارتند از وزیر امور دارایی و معاون وزیر در امور بین‌الملل.

بانک مرکزی ژاپن (BOJ)

در سال 1998، ژاپن قانون جدیدی تصویب کرد که به بانک مرکزی "BOJ" استقلال عملیاتی جدا از وزارت امور دارایی می‌داد. در حالی که کنترل کامل بر سیاست پولی به بانک مرکزی محول شد اما وزارت امور دارایی مسوول سیاست‌های مربوط به معاملات ارز باقی ماند. اعضای هیات سیاست‌گذاری عبارتند از رئیس، نایب رئیس و پنج عضو هیات سیاست‌گذاری.

نرخهای بهره

این نرخ، نرخ تقاضای شبانه یا نرخ اصلی بین بانکی کوتاه مدت است. نرخ تقاضا توسط عملیات بازار آزاد بانک مرکزی که برای اداره نقدینگی طراحی شده، کنترل می‌شود. بانک مرکزی از نرخ تقاضا برای نشان دادن تغییرات در سیاست پولی که بر ارز تأثیر می‌گذارد، استفاده می‌کند.

اوراق قرضه دولتی ژاپن (JGB)

بانک مرکزی هر ماه دست به خرید اوراق قرضه 10 و 20 ساله دولتی می‌زند تا نقدینگی به نظام پولی تزریق کند. بازده انگیپه اوراق قرضه 10 ساله نقش نشانگر کلیدی نرخهای بهره بلندمدت را ایفا می‌کند. تفاوت بین بازده اوراق قرضه 10 ساله و بازده اوراق بهادار 10 ساله خزانه، محرک مهم نرخ‌های مبادله "دلار به ین" است. اوراق قرضه دولتی رو به نزول (بازده رو به صعود) معمولاً منجر به تقویت "ین" شده و بر برابری "دلار به ین" تأثیر می‌گذارد.

آژانس دولتی برای سیاست‌گذاری اقتصادی و مالی

این آژانس در سال 2001 به طور رسمی جایگزین آژانس قدرتمند برنامه ریزی اقتصادی (EPA) شد. این سازمان مسوول تدوین برنامه‌های اقتصادی و هماهنگ‌کننده سیاست‌های اقتصادی از جمله اشتغال، تجارت بین‌الملل و مسایل مبادلات ارز است. در این سازمان وزیر، مدیرآژانس و همچنین مدیر آژانس خدمات مالی بالاترین تشکیلات سامان‌دهنده بازار هستند.

اطلاعات اقتصادی ژاپن

اطلاعات و گزارش‌های اقتصادی اصلی ژاپن عبارتند از: GDP، بررسی تانکان بانک ژاپن (بررسی فصلی گرایش‌های و انتظارات تجاری)، PMI (خدمات و تولید)، بیکاری، بررسی صنایع بخش سوم، تولید صنعتی، تجارت بین‌الملل و ذخیره پول (M2+CD).

شاخص نیکئی 225

این شاخص، شاخص پیشرو سهام ژاپن است. نزول منطقی ین معمولاً سهام شرکت‌های صادراتی را بالا می‌برد، که منجر به تقویت کلی شاخص سهام می‌شود.

رابطه ین- نیکئی بعضی مواقع وارونه می‌شود، که طی آن بازار آزاد قوی نیکئی، ین را تقویت می‌کند چرا که دارایی سرمایه‌گذاران به سهام نامگذاری شده با ین انتقال می‌یابد.

تأثیر نرخ غیرمستقیم بر "ین"

نرخ مبادله "دلار به ین" بعضی مواقع تحت تأثیر حرکات نرخ‌های غیرمستقیم برابری مانند "یورو به ین" قرار می‌گیرد. مثلاً اگر "دلار به ین" رو به صعود باشد، ممکن است دلیل آن یوروی رو به افزایش در مقابل ین باشد. این صعود می‌تواند در نرخ غیرمستقیم به علت گرایش متضاد بین ژاپن و منطقه یورو مورد تأکید قرار گیرد.

مثالی دیگر: فرض کنید ، "یورو به ین" و "یورو به دلار" به دلیل تقویت کلی یورو افزایش یابند. این تغییر می تواند به علت چشم انداز اقتصادی بهتر در ژاپن تاثیر بیشتری بر دلار بگذارد. در نتیجه به دلیل آنکه "ین" نسبتا کمتر آسیب می بیند، دلار به ین تضعیف خواهد شد.

بنیادهای موثر بر اقتصاد مالی انگلستان "پوند انگلیس به دلار آمریکا"

بانک پادشاهی انگلستان (BOE)

بانک مرکزی پادشاهی انگلستان مسوول سیاست های پولی در حوزه بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی است. طبق مصوبه قانون انگلستان در ژوئن 1997، این بانک استقلال عملی جهت تعیین سیاست پولی به دست آورد تا بتواند ثبات قیمت را بیشتر کرده و اهداف رشد و اشتغال دولت پادشاهی انگلستان را حمایت کند. لیکن باوجود استقلال این بانک در تعیین سیاست پولی، هدف تورم توسط وزارت دارایی انگلستان تعیین می شود. این امر منجر به وابسته ماندن این بانک به دولت شده است.

در ابتدا هدف تورم توسط دولت 2.5% رشد سالانه در شاخص قیمتهای خرده فروشی، به استثنای رهن (RPI-X) تعیین شده بود اما در پاییز سال 2003 وزارت دارایی، شاخص یاد شده را به شاخص هماهنگ شده اتحادیه اروپا برای قیمت مصرف کننده HICP تبدیل کرد که در حال حاضر توسط بانک مرکزی اروپا به کار می رود. هرچند مقامات بریتانیا آن را شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) می نامد اما برآوردها نشان می دهد ، تورم 2.5% شاخص (RPI-X) تقریبا معادل 1.75% در نرخ تورم شاخص HICP است. دلیل اصلی این تفاوت، حذف هزینه های مربوط به خانه سازی از CPI است.

کمیته سیاست گذاری پولی (MPC)

این کمیته شامل هیاتی ده نفره است. این هیات مسوول تصمیم گیری در مورد نرخ های بهره بوده و متشکل از رئیس بانک مرکزی، دو نائب رئیس، دو مدیر اجرایی و پنج کارشناس غیر رسمی است.

خلاصه مذاکرات (MPC)

از آنجا که صورت جلسه های بانک انگلستان، یکی از به موقع ترین اعلام نظرات بانکهای مرکزی در کشورهای گروه هفت است، به شدت مورد نظر دست اندرکاران بازار قرار دارد. این صورتجلسه ها تنها دو هفته پس از برگزاری جلسه منتشر می شوند.

نرخهای بهره بانک انگلستان

ابزار اصلی نرخ بهره بانک انگلستان "نرخ حداقل وام" (MLR) یا نرخ پایه است. این نرخ معمولا در اولین پنجشنبه هر ماه اعلام شده و منجر به ایجاد علائمی مشخص در سیاست پولی می شود. این سیگنال ها معمولا تاثیر زیادی بر استرلینگ دارد. نرخ های اعلام شده جهت عملیات روزانه بازار از جمله خرید براتهای دولتی از موسسات تنزیل مورد استفاده قرار می گیرد. نرخ های یاد شده ابزار مهمی در تعیین سیاست پولی است. (موسسات تنزیل، نهادهای متخصص در تجارت بازار پول هستند).

اوراق قرضه دولتی (Gilts)

اوراق قرضه دولتی، مرغوبترین اوراق بهادار هستند. تفاوت (تفاوت در بازده) بین بازده گیلت 10 ساله و سند خزانه 10 ساله آمریکا معمولا بر نرخ برابری ارز تاثیر می گذارد. تفاوت بین گیلت ها و اوراق قرضه آلمان نیز حائز اهمیت است زیرا بر نرخ برابری یورو به پوند تاثیر می گذارد و در نتیجه می تواند بر نرخ برابری پوند به دلار نیز موثر باشد.

سپرده های سه ماهه یوروپوند

سپرده های یورووارز وجوهی هستند که در بانک های خارج از حوزه مبدا آن پول موجود هستند. مثلا موجودی های ین ژاپن خارج از ژاپن "یوروین" و حساب های با نام پوند در خارج از منطقه انگلستان "یوروپوند" خوانده می شوند. نرخ سپرده های سه ماهه یوروپوند انگلیس با ارزشی برای تعیین تفاوت نرخ بهره است. انگلیس یاد شده کمک مناسبی

برای برآورد نرخ های برابری ارزها است. اگر بخواهیم یک مثال نظری در مورد برابری پوند به دلار داشته باشیم، هر چه تفاوت نرخ بهره به نفع یورو دلار در مقابل سپرده های یورو پوند باشد، احتمال سقوط برابری پوند به دلار بیشتر است. بعضی مواقع این ارتباط به دلیل تداخل دیگر فاکتورها صدق نمی کند.

وزارت دارایی (خزانه) انگلستان

پس از مصوبه قانونی استقلال بانک انگلستان در ژوئن 1997، نقش وزارت دارایی در تعیین سیاست پولی به میزان قابل توجهی کم رنگ شد. با وجود آن، هنوز هم وزارت دارایی هدف تورم را برای بانک مرکزی تعیین می کند و انتصابات کلیدی در این بانک را بر عهده دارد. وزارت دارایی بعد از آن در سال 2003 اعلام کرد که در حال تغییر معیار اولیه تورم بانک انگلستان از معیار جاری شاخص قیمت خرده فروشی منهای پرداخت های بهره رهن (RPI-X) به شاخص هماهنگ قیمت های مصرف کننده (HICP) است.

استرلینگ و عضویت در اتحادیه پول و اقتصاد

هرگاه تونی بلر، نخست وزیر انگلستان به احتمال عضویت در پول واحد اروپا (یورو) اشاره می کند، بر نرخ استرلینگ اثر می گذارد. برای آنکه بریتانیا بتواند به سیستم پول واحد ملحق شود، نرخ های بهره این کشور باید با سطح نرخ منطقه یورو مطابقت کند. اگر مردم این کشور با انتخاب یورو موافقت کنند، ارزش استرلینگ باید در مقابل یورو کاهش یابد تا برای صنعت این کشور سود تجاری کافی کسب کند. بنابراین هر حرکتی که نشان از نزدیک شدن انگلستان به حوزه یورو داشته باشد، بر استرلینگ تاثیر نزولی خواهد داشت از جمله این حرکات می توان سخنرانی، اظهار نظر یا رای گیری را نام برد.

پس از آنکه وزارت دارایی اعلام کرد فقط یک معیار از پنج معیار، برای آمادگی انگلستان جهت پیوستن به اتحادیه پولی اروپا قابل قبول است، برگزاری یک referendum قبل از انتخابات پارلمانی سال 2006 کم رنگ شد.

آقای براون، وزیر دارایی وقت با آنکه به مزایای سرمایه گذاری و تجارت در صورت پیوستن به اتحادیه پولی واقف بود اما عقیده داشت؛ که قبل از چراغ سبز وزارتخانه جهت پیوستن به اتحادیه، باید شرایط اولیه از جمله آنها که مربوط به تقارب و انعطاف پذیری هستند، برآورده شوند.

پنج پرسش محوری برای عضویت در اتحادیه پولی اروپا

1. آیا پیوستن به اتحادیه پول و اقتصاد (EMU) شرایط بهتری برای موسسات جهت تصمیم گیری برای سرمایه گذاری بلندمدت در انگلستان فراهم می آورد؟
2. پیوستن به EMU چه تاثیری بر موقعیت رقابتی صنعت خدمات مالی انگلستان، بخصوص بازارهای عمده فروشی (منطقه تجاری لندن)، خواهد داشت؟
3. آیا سیکل های تجاری و ساختارهای اقتصادی آنقدر سازگار هستند که انگلستان و دیگر کشورهای اروپا بتوانند با نرخ های بهره دائمی به راحتی زندگی کنند؟
4. آیا انعطاف پذیری کافی برای حل و فصل مشکلات احتمالی وجود دارد؟
5. آیا پیوستن به EMU به ارتقای رشد، ثبات و افزایش پایدار فرصت های شغلی کمک می کند؟

وزارت دارایی در ژوئن سال 2003، ارزیابی خود را از پنج پرسش اقتصادی را منتشر کرد. تنها شرط City که تاثیر پیوستن به EMU بر صنعت خدمات مالی را ارزیابی می کرد، نمره قبولی گرفت. بین 4 شرط مردود اعلام شده، "تقارب" عامل مورد توجهی بود که تضادهای اقتصادی و مالی را بین انگلستان و منطقه اروپا مشهود می ساخت. درناهمگونی موجود می توان از تفاوت بین رشد و نرخهای بهره، همچنین میزان زیاد قرضه رهنی به عنوان بخشی از GDP و آسیب پذیری خانه سازی نام برد. این آسیب پذیری وقتی سیاست پولی در فرانکفورت برای حداقل 11 اقتصاد دیگر تعیین تکلیف می کند، باعث بی ثباتی می شود.

اطلاعات اقتصادی انگلستان

مهمترین اطلاعات اقتصادی در انگلستان منتشر شده، عبارتند از: تولید ناخالص ملی، بیکاری مورد ادعا (تعداد بیکاران)، نرخ بیکاری مورد ادعا، درآمدهای متوسط، شاخص هماهنگ قیمت های مصرف کننده، شاخص قیمت خرده فروشی

منهای رهن، خرده فروشی ها، شاخص قیمت تولید کننده، فرآوری، مطالعات مدیران خرید، تولید و خدمات، ذخیره پول (M4)، موازنه پرداخت ها، قیمت های خانه سازی و گزارش فصلی تورم بانک انگلستان.

همانطور که قبلا ذکر شد، شرح مذاکرات در جلسات MPC بانک انگلستان نیز از جمله محرکهای بازار است.

قرارداد آینده سه ماهه یورو استرلینگ (نرخهای بهره کوتاه مدت استرلینگ)

قرارداد آینده یورو استرلینگ بازتاب پیش بینی بازار برای نرخ های بهره سه ماهه یورو استرلینگ در آینده است. تفاوت بین قراردادهای آینده سپرده های سه ماهه یورودلار و یورو استرلینگ، متغیری اساسی جهت تعیین نرخ آینده پوند به دلار به شمار می آید.

شاخص سهام FTSE-100

شاخص یاد شده، شاخص عمده سهام در کشور انگلستان است. شاخص اصلی سهام این کشور برخلاف آمریکا یا ژاپن، نفوذ نسبتا کمتری بر پول دارد. با وجود این همبستگی مثبت بین FTSE-100 و شاخص صنعتی داو جونز، یکی از قوی ترین رابطه ها در بازارهای جهانی است.

تأثیر نرخ غیرمستقیم بر پوند

برابری پوند ؛ دلار اغلب تحت تأثیر حرکات نرخ های غیرمستقیم برابری (نرخ های برابری غیردلار) از قبیل برابری یورو به پوند قرارداد. برخی مواقع حرکات کلی یورو، نرخ برابری پوند به دلار را تغییر می دهد. به این ترتیب تغییرات گسترده در یورو باعث عقب نشینی و یا ارتقای نرخ غیرمستقیم برابری یورو به پوند می شود و به نوبه خود بر دلار فشار می آورد (نرخ برابری پوند به دلار را پائین می کشد).

مثالهای دیگر؛ صعود برابری یورو به پوند (سقوط استرلینگ)، ناشی از تقویت پیش بینی عضویت انگلستان در پول یورو، می تواند منجر به نزول در برابری پوند به دلار شود. برعکس، اخباری که حکایت از عدم الحاق این کشور به این پول واحد اروپا داشته باشد، منجر به سقوط برابری یورو به پوند خواهد شد. این امر در ادامه منجر به تقویت برابری پوند به دلار خواهد شد.

نمودار شکل 2-2 نشان می دهد که برابری یورو به دلار و پوند به دلار هنوز هماهنگ هستند و همبستگی همواره مثبت بین حرکات آنها (60% از سال 1999) حالتی از ثبات بین این دو زوج ارزی ایجاد کرده است.



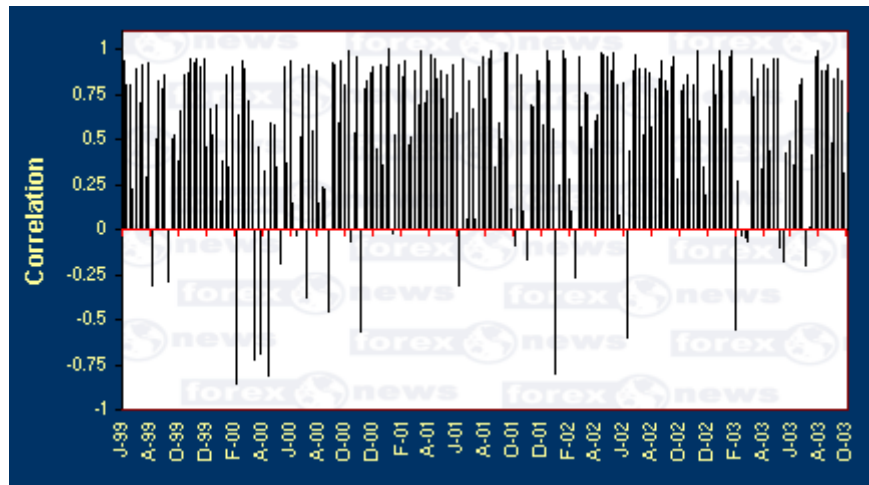
شکل 2-2

نرخ برابری یورو به دلار عمدتاً به صورت یک متغیر مستقل عمل می کند و بر برابری پوند به دلار تاثیر می گذارد. این همبستگی بالا ناشی از عوامل زیر است:

1. تجارت روز افزون بین انگلستان و کشورهای یورو که شامل دوسوم صادرات انگلستان می شود. به این ترتیب از نظر منطق تجارت بین الملل، هماهنگ کردن ارزهای این دو منطقه امری لازم است که منجر به بهینه سازی روند تجارت می شود.

2. موضع گیری بازارها جلوتر از تصمیم گیری احتمالی دولت انگلستان در مورد پیوستن به اتحادیه پول اروپا.

نمودار شکل 2-3 نسبت همبستگی هفتگی (برابری یورو به دلار در مقابل برابری پوند به دلار) را نشان می دهد، میانگین همبستگی = 0.60



شکل 2-3

یک نمونه جالب از رویدادهای رو به گسترش از سپتامبر تا اکتبر سال 2000 است، وقتی که استرلینگ، عمدتاً به دلیل زیان وارده به یورو در آن زمان به پایینترین حد خود طی 14 سال سقوط کرد و به 1.44 دلار رسید. یورو با ثبت رقم 82.25 سنت در مقابل دلار به پایین ترین حد خود نزول کرد. یکی از دلایل آن خطرات رو به افزایش تورم در منطقه یورو، افزایش بیش از حد قیمت نفت و دیگری سلب اطمینان از یوروی نوپا بود. شکل بالا به وضوح نشان می دهد که چگونه در آن دوره دو ماهه جنجالی در پائیز سال 2000، همبستگی هفتگی به بالای 0.7 رسید.

به همین ترتیب، همبستگی بالا در دوره هایی که طی آن یورو تقویت می شود، واضح تر است. وقتی یورو بین اواخر نوامبر سال 2000 و اوایل ژانویه سال بعد تقریباً 15% صعود کرد، استرلینگ بلافاصله از آن پیروی کرد و از قیمت پائین 1.4 دلار در نوامبر، با 8% ارتقا به 1.51 دلار در ژانویه رسید.

یک استثنا در مورد همبستگی: از 2003/1/30 تا 2003/2/28 در حالی که برابری پوند به دلار از قیمت 1.6572 به 1.5710 سقوط کرد، برابری یورو به دلار حدود 1.08 ثابت ماند. توضیح اینکه شدت یافتن این انتظار که انگلستان قصد دارد به جنگ تحت هدایت آمریکا در عراق بپیوندد، به استرلینگ ضربه زد و باعث نزول برابری پوند به دلار شد، این در حالی بود که برابری یورو به دلار به صعود خود ادامه داد. از آنجا که اقلیت طرفدار جنگ در انگلستان بدون پشتیبانی سازمان ملل از جنگ عراق حمایت کرد، پوند کاملاً تحت کنترل دلار، رو به فرسایش قرار گرفت. در نتیجه پوند کلیه امتیازاتی را که به واسطه بازده بالاتر ارایه می داد، از دست داد.

بانک مرکزی در سوئیس دارای حداکثر استقلال در تعیین خط مشی پولی و نرخ برابری است. این بانک معمولاً در کنفرانس مطبوعاتی خود هر سه ماه یک بار تغییرات نرخ بهره را اعلام می‌کند.

نقش پناهگاه امن فرانک سوئیس

قبل از موافقتنامه واشنگتن در سال 1999 طبق قانون اساسی سوئیس، طلا 38% اندوخته های بانک ملی آن را تشکیل می‌داد که این امر تضمینی بر ثبات پولی کشور بخصوص در ایام ناپایداری مالی در سطح جهان بود. کشور سوئیس با نزدیک به 3000 تن طلا در ذخایر رسمی خود پس از آمریکا، صندوق بین المللی پول و کشورهای منطقه یورو، چهارمین دارنده شمش های طلا در جهان است.

کشور سوئیس در آوریل سال 1999 پس از فراتر رفتن اندوخته طلا از 40% که در قانون اساسی تعیین شده بود، به طور رسمی به خلاص شدن فرانک سوئیس از پشتیبانی طلا رای داد. باوجود جدایی فرانک از طلا به دلیل استقلال بانک مرکزی سوئیس این کشور هنوز هم از مزایای پناهگاه امن به شدت بهره می‌برد. علت این امر رازداری سیستم بانکی کشور و موضع بیطرف سیاسی سوئیس است.

شکل 2-4 نشان دهنده ثبات CHF در برخی از بحران های جهانی است.



شکل 2-4

شاخص ضریب‌دار تجاری فرانک سوئیس

بانک مرکزی سوئیس از دسامبر سال 1999 از شیوه پول گرا (براساس اندوخته پول) به شیوه مبتنی بر تورم رو آورد که این امر به معنی نرخ تورم سالانه 2% بود. بانک ملی سوئیس به منظور رسیدن به هدف یاد شده از "دامنه نرخ پیشنهاد بین بانکی سه ماهه لندن" (LIBOR) جهت هدایت سیاست پولی استفاده می‌کند. مقامات این بانک با اظهار نظرهای گاه و بیگاه در مورد نقدینگی، ذخیره پول یا خود ارز می‌توانند بر فرانک تاثیر بگذارند.

مقامات اصلی بانک ملی سوئیس عبارتند از: رئیس، نائب رئیس، عضو هیات اجرایی و وزیر امور مالی.

بانک ملی سوئیس از نرخ تنزیل برای اعلام تغییرات در سیاست پولی استفاده می کند. با آن که نرخ تنزیل به ندرت توسط بانکها جهت وام گرفتن و یا تسهیلات بانکی استفاده می شود اما تغییرات آن اثر قابل توجهی بر ارز دارد.

سپرده های سه ماهه یورو فرانک سوئیس
سپرده های یورو فرانک سپرده های بانکی در کشورهایی به غیر از کشور مربوط به این ارز است. نرخ بهره سپرده های سه ماهه به نام فرانک سوئیس در بانکهای خارج از کشور، انگاپاه ارزشمندی برای تعیین تفاوت های نرخ بهره است. این موضوع به تعیین نرخ های برابری کمک می کند.

مثالی نظری در مورد دلار به فرانک: هر چه تفاوت نرخ بهره به نفع یورودلار در مقابل سپرده یوروفرانک بیشتر باشد، احتمال صعود برابری دلار به فرانک بیشتر خواهد بود. گاهی این رابطه به دلیل تداخل دیگر عوامل صادق نیست.

داده های اقتصادی

اقتصاد سوئیس اساساً متأثر از اطلاعات اقتصادی دیگر کشورها است و ارقام اقتصادی آن کمتر بر فرانک تأثیر دارند. مهمترین اطلاعات اقتصادی که در سوئیس منتشر می شوند، عبارتند از: شاخص قیمت سبد مصرف کننده، بیکاری، موازنه قیمت ها، تولید ناخالص ملی، تولید صنعتی، شاخص مدیران خرید و ذخیره پول.

تأثیر نرخ غیرمستقیم بر فرانک

برابری دلار به فرانک سوئیس بعضی مواقع تحت تأثیر حرکات نرخ های برابری غیرمستقیم (نرخهای غیردلاری) قرار می گیرد، از جمله این برابری ها می توان از یورو به فرانک یا پوند به فرانک نام برد.

مثال: صعود برابری پوند به فرانک که به واسطه افزایش نرخ بهره در انگلستان صورت می گیرد، می تواند ضعف فرانک در مقابل دیگر ارزها، از جمله دلار را تداوم بخشد.

قرارداد آینده سه ماهه یوروفرانک

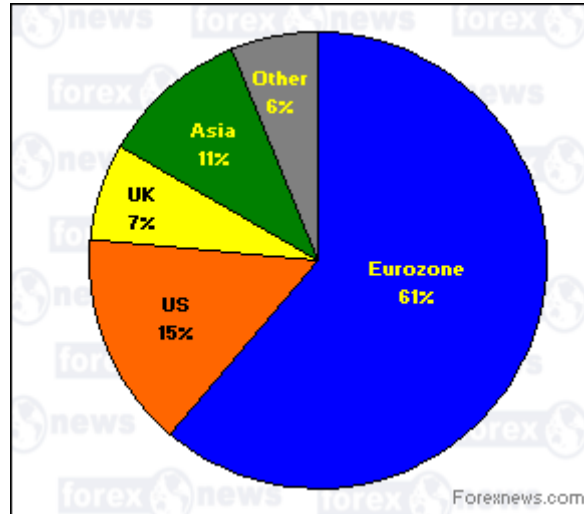
این قرارداد منعکس کننده پیش بینی بازار در مورد سپرده های سه ماهه یوروفرانک در آینده است. تفاوت بین قراردادهای آینده سپرده های سه ماهه یورو دلار و یوروفرانک عامل اساسی در تعیین نرخ آینده برابری دلار به فرانک است.

دیگر عوامل

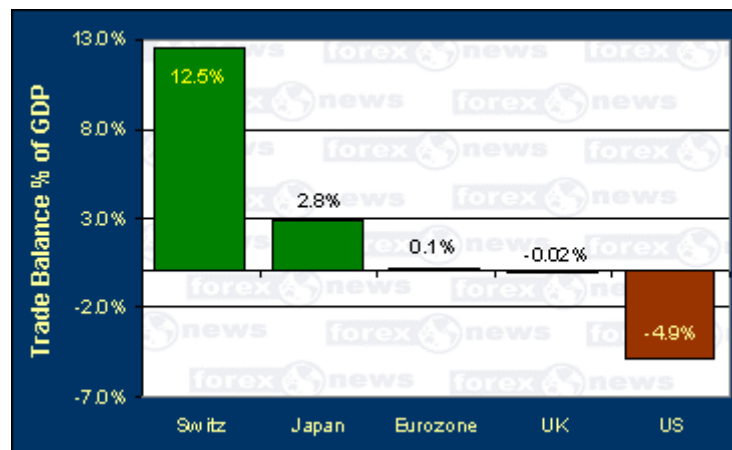
به دلیل مجاورت اقتصاد سوئیس با منطقه یورو (به خصوص آلمان)، فرانک سوئیس همبستگی مداوم مثبتی با یورو نشان داده است. این رابطه در همبستگی به شدت منفی بین برابری دلار به فرانک و یورو به دلار کاملاً بارز است.

مثال: حرکتی ناگهانی در برابری یورو به دلار (ناشی از یک عامل بنیادی عمده) به احتمال بسیار موجب حرکتی همانقدر شدید در جهت مخالف برابری دلار به فرانک شود. رابطه بین این دو جفت ارز یکی از قوی ترین رابطه ها در بازار ارز است. همچنین موضع قدرتمند خارجی سوئیس و صادرات سوئیس نیز از بنیادهای موثر بر اقتصاد آن کشور است.

در شکل 2-5 درصد کل صادرات و 2-6 درصد تراز تجاری از تولید ناخالص ملی در سال 2002 نشان داده شده است.



شکل 2-5



شکل 2-6

بنیادهای موثر بر اقتصاد مالی استرالیا "دلار استرالیا به دلار آمریکا"

دلار استرالیا یا "آسی" به نام ارز کالا شناخته می شود، زیرا رابطه نزدیکی با قیمت های طلا، مس، نیکل، زغال سنگ و پشم دارد که همه آنها 2/3 کل صادرات را تشکیل می دهند. به دلیل آنکه این کالاها بخش اعظم صادرات استرالیا را تشکیل می دهند، اندوخته آسی متکی به گرایش کلی در قیمت این کالاهاست. معمولاً وقتی این کالاها حرکتی رو به جلو داشته باشند، ارز از جو تورم منتفع می شود. به عنوان مثال افزایش قیمت طلا در اوایل سال 2002 همراه با افزایش برابری نرخ دلار استرالیا به دلار آمریکا بوده است. هر دو آنها در تابستان 2002 نزول داشتند و اواخر 2002 دوباره افزایش قیمت خود را از سر گرفتند.

روابط نزدیک تجاری استرالیا با ژاپن در حدی است که شامل 20% کل صادرات استرالیا می شود. این رابطه به همراه رابطه قوی با حوزه اروپا، حرکت پشت سر هم آسی، یورو و پن را توجیه می کند. به همین دلیل در بازارهای ارز شاهد همبستگی معکوس بین نرخ های برابری دلار استرالیا به دلار آمریکا و دلار آمریکا به پن ژاپن هستیم. این امر مانند برابری یورو به دلار آمریکا و پوند انگلیس به دلار آمریکا است.

بانک پس انداز استرالیا، یکی از اولین بانک های مرکزی در جهان صنعتی پس از بانک مرکزی آمریکا است که در سال 1993 از نظر اجرایی مستقل شده است. این بانک با آینده نگری هدف تورم را، به میزان 2 الی 3% در سال اتخاذ کرده است. این هدف به صورت میان مدت تعیین شده تا موجب رشد اقتصادی سالم و ادامه پذیر شود.

هیات اجرایی بانک

هیات اجرایی بانک مرکزی استرالیا خط مشی پولی این کشور را تعیین می کند. این هیات یازده بار در سال تشکیل جلسه داده (به استثنای ماه ژانویه) و تصمیمات خود را در مورد نرخ بهره یک روز پس از جلسه اعلام می کنند. این جلسه معمولاً اولین سه شنبه هر ماه برگزار می شود.

این هیات متشکل از نه نفر به شرح زیر است: فرماندار، معاون فرماندار و وزیر دارایی که به واسطه شغل خود در آن عضویت دارند، به اضافه شش عضو دیگر که توسط خزانه دار منصوب می شوند. فرماندار و معاون فرماندار برای یک دوره هفت ساله انتخاب می شوند که امکان انتخاب مجدد آنها وجود دارد و سایر اعضا نیز برای یک دوره پنج ساله منصوب می شوند.

ابزار اصلی خط مشی پولی بانک پس انداز استرالیا، نرخ یکشنبه بهره بازار پول است که به صورت نرخ نقد بیان می شود. نرخ نقدی نرخ است که بر وامهای یکشنبه بین نهادهای مالی اعمال می شود.

با آنکه بانک پس انداز استرالیا در سال 1993 جهت دستیابی به اهداف تورمی خود استقلال عملی به دست آورده است اما ریاست بانک و معاون وی توسط وزیر دارایی منصوب می شوند.

اطلاعات اقتصادی استرالیا

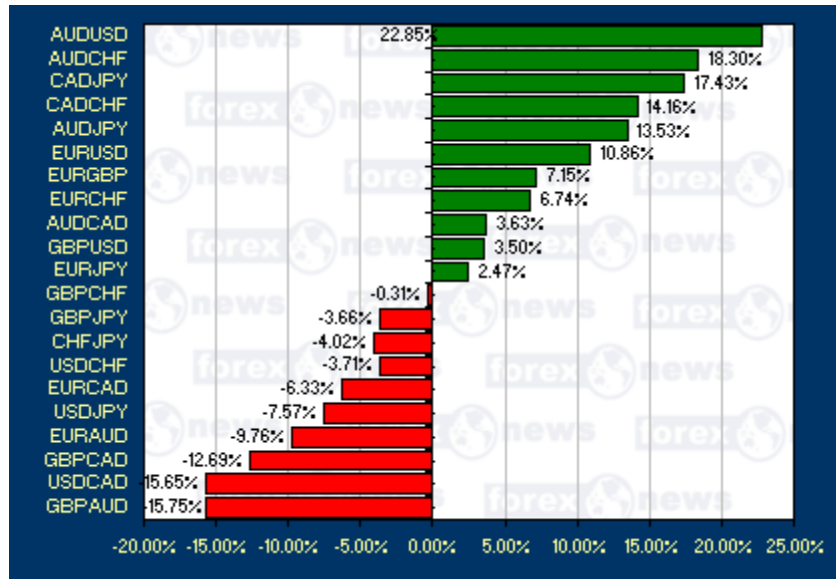
اطلاعات اقتصادی اصلی استرالیا عبارتند از: تولید ناخالص ملی، میزان دستمزد اشتغال، نرخ بیکاری، شاخص قیمت مصرف کننده، شاخص نهاد گرایش مصرف کننده وستپک- ملیورن، خرده فروشی، شاخص قیمت تولید کننده، فرآوری و موازنه تجارت.

نقش بازدهی بالای آسی

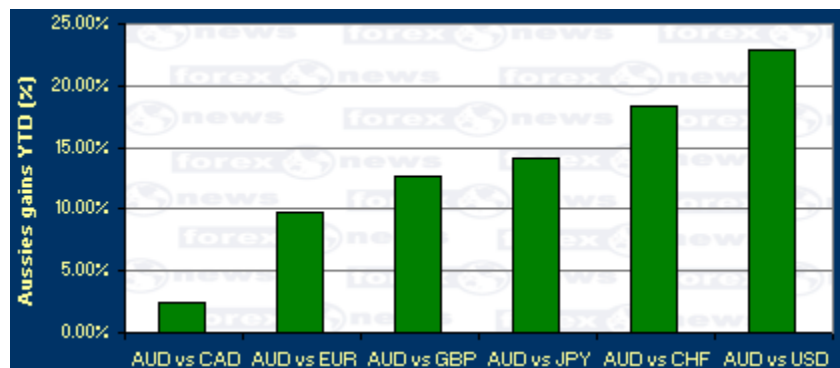
آسی برای سرمایه گذاران جهانی که به دنبال بازگشت مازاد، هم از صعود ارز و هم از بازده بالاتر هستند، یک نعمت به حساب می آید. از جولای سال 2004 نرخ کوتاه مدت بهره در استرالیا حدود 5.25% ثابت مانده است. این ثبات در حالی است که این نرخ در ژاپن 0.15%، در سوئیس 0.25%، در آمریکا 1.25%، در کانادا و حوزه یورو 2% و در انگلستان 4.5% است.

نرخ رشد بالای استرالیا به همراه هدف تورمی بانک ملی استرالیا باعث شدند، ارزش آسی بالا برود. ظاهراً با وجود آنکه اقتصاد جهانی در پائیز سال 2003 به پائین ترین حد خود رسید و قیمت های کالا در بهار سال 2004 تثبیت شد، اما انتظار می رود نرخ های بهره حاکم بر استرالیا برتری بازده خود را حفظ کنند و در نتیجه از آسی در مقابل ارزهای مهم حمایت کنند.

شکل 7-2 و 8-2 نشان دهنده توانمندی آسی در مقابل ارزهای دیگر است.



شکل 2-7



شکل 2-8

بنیادهای موثر بر اقتصاد مالی کانادا "دلار آمریکا به دلار کانادا"

ارز کانادا به دلیل تصویر پرنده لون بر روی سکه یک دلاری به "لونی" مشهور است. موقعیت منحصر به فرد دلار کانادا، در مقایسه با دیگر ارزهای به غیر از دلار آمریکا، به دلیل رابطه تجاری کانادا با آمریکا که بزرگترین رابطه دو سویه بین دو کشور است، جلب نظر می کند. بنابراین وقتی اخبار دلار آمریکا خوب باشد، تعجبی ندارد دلار کانادا از دیگر ارزها وضعیت بهتری داشته باشد. از آنجا که نزدیک به 80% صادرات کانادا به آمریکا است، دلار کانادا به شدت متکی به قدرت بزرگترین اقتصاد جهان است. در نتیجه برابری دلار آمریکا با کانادا به میزان زیادی به متغیرهای اقتصادی نظیر نشانگرها، گزارش ها، تغییرات خط مشی در اقتصاد آمریکا حساسیت نشان می دهد.

دلار کانادا یک "ارز کالا" محسوب می شود چراکه نیمی از کل صادرات این کشور را کالا تشکیل می دهند. به خصوص بخش کشاورزی و مواد غذایی که 9% از تولید ناخالص ملی و 6% صادرات می شوند زیرا کانادا پس از آمریکا و اتحادیه اروپا سومین کشور صادر کننده محصولات کشاورزی و غذایی می باشد. دلار کانادا به طور کلی از افزایش قیمت محصولات غیرسوختی تاثیر مطلوبتری می گیرد. همچنین موقعیت ارز کانادا به عنوان کشور صادر کننده عمده سوخت دارای جذابیت است. این جذابیت طی دوره های افزایشی قیمت های سوخت، از جمله نفت، مشهود است.

اهداف اصلی بانک مرکزی کانادا "تورم پائین و ثابت" و "ارزی مطمئن و پابرجا" است. این ثبات قیمت از طریق حفظ تورم 2% در بین دامنه 1% الی 3% تامین می شود. با آنکه عموماً تورم را با شاخص قیمت مصرف کننده می سنجند اما بانک مرکزی کانادا از مقیاس تورم خالص (منهای قیمت مواد غذایی و سوخت) به عنوان راهنمای عملی برای سنجش گرایش پایه تورمی استفاده و دامنه هدف تورم را هر پنج سال یک بار تجدید می کند.

هیات مدیره بانک متشکل از رئیس، معاون رئیس و 12 مدیر است. علاوه بر اینها معاون وزیر امور مالی باید در بحث و تبادل نظر هیئت مدیره شرکت کند اما حق رای دادن ندارد. هم رئیس و هم معاونت توسط مدیران برای دوره هفت ساله و قابل تجدید منصوب می شوند. وزیر امور مالی مدیران را انتخاب می کند. اگر بین وزیر امور مالی و بانک اختلاف نظری در مورد سیاست پولی به وجود بیاید، وزیر می تواند پس از مشورت با فرماندار یک اعلام کتبی جهت پیگیری به فرماندار ارایه دهد.

خط مشی پولی کانادا

بانک کانادا از نوامبر سال 2000 شروع به اجرای سیستم جدیدی متشکل از هشت تاریخ از پیش تعیین شده در سال جهت اعلام هر گونه تغییر در نرخ های بهره کرد. این سیستم جدا از عملکرد قبلی بانک بود که طی آن نرخ بهره می توانست با هر روز کاری تطبیق داده شود. معمولاً اعلام نرخ در ساعت نه صبح روز سه شنبه یا چهارشنبه انجام می شود.

نرخهای بهره در کانادا

نرخ بهره اصلی کانادا جهت تعیین سیاست پولی "نرخ یکشنبه" یا نرخ نقد است. این نرخ، انگپایه دیگر نرخ های بهره مورد استفاده جهت فرض گرفتن یا فرض دادن پول است. نرخي که بانک برای موسسات جهت پیش پرداخت تعیین می کند، پنجاه صدم بالای نرخ شبانه است. این امر به موسسات کمک می کند بتوانند از طریق سیستم انتقال مبالغ بزرگ (LVTS) در طول شب وجه لازمه را در اختیار داشته باشند.

اطلاعات اقتصادی کانادا

اطلاعات اقتصادی کلیدی کانادا عبارتند از: تولید ناخالص ملی، شاخص قیمت مصرف کننده خالص، شاخص قیمت مواد اولیه، تغییر در اشتغال، نرخ بیکاری، شاخص مدیران خرید (IVEY) (تولید و خدمات)، خرده فروشی، شاخص نشانگرهای عمده، شاخص قیمت محصولات صنعتی و موازنه تجارت.